

پیشنهادهای هفته

آخر هفته با اهالی فرهنگ و هنر

به روشنی روز

یک نکته، یک کنسرت



نادر مشایخی
رهبر ارکستر و آهنگساز

مردم به تماشای آن کنسرت بیایند، دست پر از آن خارج شوند. امروز بحث مخاطب‌محوری در موسیقی زیاد مطرح می شود، ولی من معتقدم هنرمند نباید به دنبال سلیقه مخاطب باشد، او وظیفه دارد خوراک با کیفیت تهیه و به مخاطب ارائه کند تا در مسیر به واسطه آثاری که تولید می کند، ذائقه شنیداری مردم را هم تقویت کند. موسیقی خوب این نیست که به دنبال نیازسنجی مخاطب برود، کار موزیسین اساسا ساختن نیاز است. هنرمند باید به این مساله فکر کند اثری که ارائه می دهد الهام‌بخش هم باشد. این کار یعنی داشتن مولفه الهام‌بخش بودن برای مخاطب زمانی اتفاق می افتد که هنرمند از مشاهدات خود برای خلق یک اثر نسبت به محیط پیرامونش بهره بگیرد. در سال‌های اخیر که به تماشای

کنسرت‌های هنرمندان جوان که دستاورد فعالیت و خلاقیت آنها بوده نستهماد، از دانش آگاهی و چیره‌دستی نوازندگان جوان لذت برده و شگفت‌زده شده‌ام. حتی تجربه برپایی کنسرت‌های متعدد نشانگر آن است که خوشبختانه، مخاطبان موسیقی کلاسیک و سنتی به مراتب به درجه بالایی از فهم و دانش نسبت به موسیقی رسیده‌اند. گاهی در جلسات پرسش و پاسخ نشست‌های موسیقی شرکت می‌کنم و واقعا از سطح آگاهی و سوالات تخصصی جوانان شگفت‌زده می‌شوم. تمام اینها نشانگر آن است که موسیقی ما هرچند به سختی، ولی راه خود را پیدا می‌کند و پیش می‌رود و هنرمندان جوان با خلق آثار کیفی می‌توانند ورق‌های تازه و زرینی را به دفتر زرین موسیقی معاصر ما اضافه کنند.

سریال خانه پوشالی را ببینید



منوچهر والی‌زاده
دوبلور و بازیگر

که اشاره کردم این سریال دارای تمایه‌های سیاسی است و به‌نوعی در انتقاد به سیاست‌های پوشالی کاخ سفید ساخته شده است. ولی با کدهایی که در هر قسمت از سریال ارائه می‌شود، می‌توان دریافت که سریال اساسا چه مفهومی را دنبال می‌کند. با این تفاسیر، اوضاع دوبله در مقایسه با سال‌های گذشته

مطلوب نیست، تعداد پیشنهاد برای دوبله فیلم‌ها و سریال‌ها روزبه‌روز کمتر می‌شود و امروز می‌بینم برخی دوبلورهای

باسابقه که زمانی در بهترین فیلم‌ها و سریال‌ها درخشانده‌اند، امروز خانه‌نشین شده‌اند. شاید هم یکی از دلایل این مساله این باشد که طسی سال‌های اخیر تلویزیون کم‌کارت‌تر شده و به آن شکلی که در گذشته شاهد بودیم، سریالی وارد نمی‌کند. به همین خاطر است دوبلورهایی مثل من که بیش از پنجاه سال است دراین عرصه سابقه دارند به آثاری که در شبکه خانگی تولید می‌شوند روی آورده و سعی می‌کنند بخشی از امرارمعاش‌مان از این طریق باشد.

«از زیرزمین تا پشت بام» را با تامل ببینیم



حمید پورافزری
کارگردان تئاتر

به نمایش توانسته‌اند با مخاطبان تئاتری ارتباط خوبی برقرار کنند. این نمایش فارغ از این که سواده و صمیمی یا مخاطب حرف می‌زند از ادا و اطوارهای معمول دور است و همان‌طور که اشاره کردم تلاش می‌کند آنچه مد نظر را دارد به بهترین شکل، بی‌آنکه از پیچیدگی و تکلف برخوردار باشد به مخاطب القا کند. طی سال‌های اخیر با موجی از نمایشنامه‌های اقتباسی مواجه بوده‌ایم. البته به نظر هر نمایشی روی صحنه برود که بتواند به ذات تئاتر نزدیک باشد خوب است و در عین حال دیدگاه بسته و تک‌محوری به تئاتر نگاه کرد. اما حالا که پتانسیل خوبی در نمایشنامه‌نویسان داخلی ما وجود دارد، ای کاش از متون نمایشی آنها بیش از پیش در تئاتر استفاده شود.

پرونده



پنجشنبه اول مهر ۱۳۹۵ | ۲۰ دیچه ۱۴۳۷ | ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۶ | شماره ۲۰۴۸

آزاده صالحی

A.Salehe@fdn.ir

نمایشی تازه، اکران فیلم‌های تازه هم به سینما رونق دوباره بخشیده است، عرضه این همه تازگی باعث شده اهالی فرهنگ و هنر درباره هر کدام از کتاب‌هایی که خوانده‌اند، یا فیلم‌ها و تئاترهایی که دیده‌اند به مخاطبان پیشنهاد بدهند.

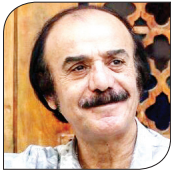
گلشیری با «میهمانی تلخ» می‌آید

گروه ادب و هنر (اسپایک گلشیری نویسنده‌ای است که برخلاف دیگر نویسندگان به دنبال مضامین خاصی برای خلق آثارش بوده است. او در سال‌های اخیر تلاش کرده برای بدیع جلوه دادن آثارش بیشتر به زائر وحشت روی بیاورد، مثلاً اینکه کتاب‌هایی که در این سال‌ها از این رهگذر منتشر شده تماما چنین مضامینی را دنبال می‌کنند.

«میهمانی تلخ» هم عنوان تازه‌ترین اثر این نویسنده است که قرار است به‌زودی از سوی نشر چشمه وارد پیشخوان کتابفروشی‌ها شود. این رمان هم مانند دیگر کتاب‌های گلشیری در فضایی حادثه‌ای و در عین حال اضطراب‌آلود نوشته شده است.

فصل عوض می‌شود، کتاب‌های تازه جای کتاب‌های چند ماه پیش را روی پیشخوان کتابفروشی‌ها می‌گیرند، با وجود آن که شهر را جنب و جوش مدرسه و دانشگاه گرفته و دیگر از تعطیلات کشدار و طولانی تابستان خبری نیست اما هنوز سال‌های تماشاخانه ایران‌شهر، تئاتر‌شهر و... مملو از جمعیتی است که می‌آیند به امید تماشای نمایشی تازه، اکران فیلم‌های تازه هم به سینما رونق دوباره بخشیده است، عرضه این همه تازگی باعث شده اهالی فرهنگ و هنر درباره هر کدام از کتاب‌هایی که خوانده‌اند، یا فیلم‌ها و تئاترهایی که دیده‌اند به مخاطبان پیشنهاد بدهند.

لذت کتاب خواندن با ترجمه‌های پیمان خاکسار



احمد ارام
نویسنده

رمان برتر ادبیات معاصر جهان شناخته شده است، نویسنده جزئیات را به خوبی به تصویر می‌شکند، او در جهان امروز، لحظاتی را پیش کرده و شاید یک دلیل اینکه خواندن این کتاب‌ها را به مخاطبان پیشنهاد می‌کنم ترجمه روان خاکسار باشد. در رمان «جزء از کل» نوشته استیو تولتز، خواننده صرف‌نظر از اینکه با

روایتی عجیب مواجه می‌شود طنز تلخ و سیاهی را هم می‌بیند که در پس زمینه داستان حضور دارد. تولتز به عنوان نویسنده‌ای چیره‌دست در این کتاب تلاش می‌کند با تکیه بر جهان‌بینی خاص خود، معضلات اجتماعی را حل‌اجی کرده و پیش چشم مخاطب قرار دهد. آنچه برای من در این کتاب مهم است شیوایی است که مترجم حسین ترجمه کار در پیش گرفته است. او توصیفاتی که در کتاب وجود دارد را از زبان نویسنده به طرز زیبایی به فارسی برگردانده که گاه فکر می‌کنیم اصل متن را بدون واسطه و ترجمه می‌خوانیم. خاکسار مترجمی هوشمند است که زیبایی را که برای ترجمه به کار می‌گیرد؛ به گونه‌ای است که به زبان مقصد بسیار نزدیک است. او در هر کدام از این کتاب‌ها به عنوان مترجم چنان دوشادوش نویسنده حرکت می‌کند که خواننده، فاصله‌ای میان مترجم و نویسنده احساس نمی‌کند. من چنین ویژگی‌ای را پیش‌تر در ترجمه‌های نجف دریاندیری دیده بودم. نه تنها درباره کتاب «جزء از کل» که درباره دو کتاب دیگر یعنی «برفک» و «هیاوهی زمان» هم در کتاب‌های خواندنی و درعین حال منحصر به فرد مواجه هستیم که هر یک به فراخور قصه‌ای که دارند ما را با خود می‌برند. در «برفک» که جزء ۱۰۰

پیشنهاد کتاب

فیلم «ابد و یک روز» تلخ ولی پریامد



رسول نجفیان
بازیگر

است باورپذیر و ملموس، به ویژه برای آنهایی که از نزدیک با چنین معضلی آشنا شده‌اند یا به‌نوعی تجربه‌اش کرده‌اند. فیلم ضمن تأثیر زیادی که بر من گذاشت مرا به این فکر فرو برد که مهم‌ترین عاملی که می‌تواند از بروز اعتیاد، جلوگیری کند، اشتغال‌زایی است. تردیدی نیست در جامعه‌ای که شرایط شغلی برای همگان، به ویژه جوانانی که از تحصیلات و شایستگی مناسب برخوردارند، فراهم شود دیگر شاهد چنین تلخی‌ها و ناکامی‌های نخواهیم بود. با این حال مهم‌ترین رسالت هنر، دادن پیام است و چه بهتر اینکه پیام‌هایی در قالب آثار هنری به مخاطب القا شود که منعکس‌کننده آلام اجتماعی باشد.

پیشنهاد سینما

نمایشگاهی که مخاطبان را فرامی‌خواند



جمشید مرادیان
مجسمه‌ساز

دادن مواد مختلف در اندازه‌های مختلف برای به تصویر کشیدن مفاهیم منحصر به فرد است. هرچند در کار هر یک از این هنرمندان یک جور شباهت سبکی به چشم می‌خورد؛ ولی از آنجایی که تمرین بصری مردم خاصه، در حوزه هنرهای تجسمی و به طور مشخص در رشته مجسمه‌سازی اندک بوده است، خوانندگان این سطور را به دیدن نمایشگاه حاضر دعوت می‌کنم.

پیشنهاد تجسمی

#



گزارش

با کامبیز درمبخش، کاریکاتوربست به بهانه افتتاح نمایشگاه «صلح»

به‌زودی روزنامه‌ها به موزه‌ها می‌روند

صلح آسان به دست نمی‌آید



کامبیز درمبخش

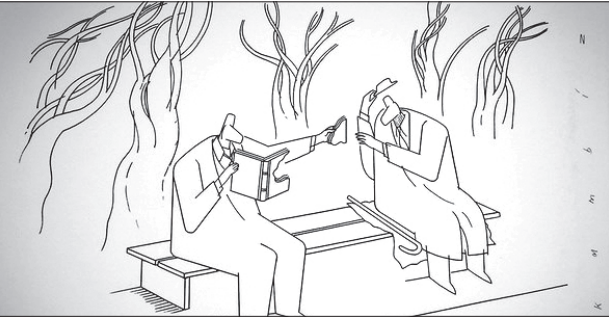
میترا صالحی اخیرا چهارمین جشنواره هنر با موضوع «صلح» مشتمل بر تمام شاخه‌های تجسمی در خانه هنرمندان ایران افتتاح شده است. در این نمایشگاه که تا پنجم مهر ادامه دارد، هنرمندان از شاخه‌های مختلفی چون نقاشی، عکس، مجسمه، چیدمان، پوستر، ویدئوآرت، موسیقی و پرفورمنس به ارائه آثاری متناسب با موضوع صلح پرداخته‌اند. کامبیز درمبخش هم یکی از هنرمندانی است که در این نمایشگاه کاریکاتوری متفاوت را به معرض نمایش مخاطبان گذاشته است.درمبخش درباره این اثر می‌گوید: «همیشه برایم این مساله اهمیت داشته که هنرمند نسبت به مضمونی که کار می‌کند، متعهد باشد. من دراین نمایشگاه کیوتر صلح را در قالب کاریکاتور ارائه کردم، منتهی از زاویه‌ای تازه. درواقع من دراین اثر به شکل تلویحی به این مساله اشاره کردم که برقراری صلح در تمام جهان کار ساده‌ای نیست و حتما نیازمند فراهم شدن شرایط اجتماعی در هر کشوری است، ضمن اینکه این اثر به مخاطب این نکته را می‌رساند که برای صلح باید هزینه کرد و هیچ چیز آسان به دست نمی‌آید. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مساله‌ای که درباره این نمایشگاه وجود دارد این است که نشان می‌دهد هنرمندان متعهدند و هیچ‌گاه نمی‌توانند نسبت به مسائل جامعه بی‌تفاوت باشند. به شخصه همیشه دغدغه صلح داشته‌ام، از زمان جنگ ویتنام تا سایر جنگ‌ها مثل جنگ ایران و عراق، بوسنی، افغانستان، عراق و... تلاش کردم‌ام به سهم خود در نگوشت جنگ به تصویر کردن آثاری ازاین دست بپردازم.»

این هنرمند که معتقد است فروش همه آن چیزی نیست که هنرمند به دنبال آن است ادامه می‌دهد: «یک هنرمند حالا نه‌فقط در شاخه کاریکاتور که در هر رشته‌ای که باشد براساس زاویه دید و جهان‌بینی خود به خلق آثاری با چنین مضامینی می‌پردازد. هر اثری که در زمینه صلح ارائه شود می‌تواند در فراگیر شدن و جهانی شدن این روند موثر باشد، حتی اگر این مساله تدریجی و آرام‌آرام صورت بگیرد بازهم اینکه هنرمندان به صلح توجه نشان بدهند خوب است.»

این کاریکاتوربست باسابقه درباره تازه‌ترین فعالیت‌هایش می‌گوید: «پاییز امسال دو نمایشگاه از من برگزار می‌شود، یکی نمایشگاهی از مجموعه آثار تازم‌ام است که در «آرت‌استر» افتتاح می‌شود و دیگری یک حراج است که تعداد زیادی از آثارم دراین حراجی در معرض فروش قرار می‌گیرند و قیمت آثار از هشت‌صدهزار تومان به بالاست. همچنین به روال هر سال در گالری «سیحون» هم نمایشگاه خواهم داشت و از آنجایی که چندمساللی است نکاسی می‌کنم یک نمایشگاهی هم از عکس‌هایم برپا می‌کنم.» این هنرمند همچنین از انتشار دو کتاب خود با عنوان «پانتومیم روی کاغذ» و «داستان‌های دینی» در هفته آتی خبر داد و گفت: «علاوه براین دو کتاب، مجموعه طراحی‌هایم از دلفک‌ها را در قالب یک کتاب به‌زودی منتشر خواهم کرد.» از درمبخش می‌پرسم با توجه به اینکه دیری است کاریکاتور از خاستگاه اصلی‌اش یعنی مطبوعات فاصله گرفته و حتی در ۱۰ سال اخیر شاهد بیشتر شدن فاصله میان مطبوعات و کاریکاتور بوده‌ایم و کاریکاتورها بیشتر به فضای نمایشگاهی نزدیک شده‌اند، به نظر شما این یک آسیب نیست؟ این هنرمند پاسخ می‌دهد: «در هر حال همپس که کاریکاتور به قول شما از جایگاه اولیه و دیرینه‌اش دور شده خوب نیست، اما باید به این مساله توجه داشته باشیم کاریکاتوربست‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه آثارشان را در نمایشگاه‌های مختلف برکت دهند. در سال‌های گذشته انتشار یک کاریکاتور در یک نشریه حواسی زیادی برای کاریکاتوربست و سردمداران نشریه به دنبال داشت، حتی بودند نشریاتی که به واسطه چاپ یک کاریکاتور تعطیل شدند. همه این مسائل دست به دست هم داد تا مفارقت میان کاریکاتور و مطبوعات پررنگ‌تر جلوه کند. امروز برخی کاریکاتوربست‌ها به‌رغم دستمزدهای اندکی که دریافت می‌کنند در همان دو سه نشریه که به کاریکاتورها به‌امی‌دهد فعالیت می‌کنند، اما واقعیت این است انتشار ماهی یک کاریکاتور نه برای کاریکاتوربست مایه امرارمعاش می‌شود و نه مطبوعات می‌توانندد آن‌طور که باید از ظرفیت‌های این هنر بهره بگیرند. مشکلات بر سر راه کاریکاتور زیاد بوده و در سال‌های اخیر بیشتر هم شده است. زمانی بود که بابت چاپ یک کاریکاتور در یک نشریه به کاریکاتوربست، ۱۰ یا ۱۵ هزار تومان می‌دادند، امروز این مبلغ در بهترین حالت به ۵۰ یا ۱۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده که اسفبار است، زیرا همان‌طور که اشاره کردم کاریکاتوربست نمی‌تواند از این طریق به امرارمعاش بپردازد و چشم‌اندازی برای آتی‌ه خود داشته باشد.»

بسا درمبخش بحث سفارشی کار کردن را مطرح می‌کنم. او در این ارتباط هم می‌گوید: «به شخصه هیچ‌گاه سفارشی کار نکرده‌ام، چون معتقدم زمانی که هنرمند اثری را به سفارش نهاده‌ای یا فردی خلق می‌کند دیگر خالق اصلی آن اثر نیست، اثری حائزاهمیت است که از درونیات خود هنرمند برآمده باشد و او براساس مشاهداتی که نسبت به محیط پیرامونش دارد یک اثر را خلق کند. هنرمند زمانی دست به کار می‌شود که مسائل اجتماعی او را می‌آزرد و چون کاری برای مرتفع کردن دردهای جامعه از دستش ساخته نیست به خلق اثر روی می‌آورد، اصلا همین است که اثر یک هنرمند را ارزشمند می‌کند.»

با این کاریکاتوربست با سابقه این سوال را مطرح می‌کنم که زاویه‌دید اجتماعی و اصولا پرداختن به مسائل جامعه بین کاریکاتوربست‌های جوان به چه شکل است، او پاسخ می‌دهد: «باید پذیریم کاریکاتور از معدود هنرهایی است که فرد برای آن‌که بتواند به درجات متعالی دست یابد، باید زمان زیادی را صرف کند تا به تکنیک‌های شخصی و منحصربه‌فرد دست یابد و از طرفی طراحی‌اش قوی شود. با این حال امروز چند کاریکاتوربست هستند که به‌رغم تمام افت و خیزها، دراین وادی مانده‌اند و کار می‌کنند و آثار خوبی هم ارائه می‌دهند. ولی مساله این است تیراژ نشریات روزبه‌روز درحال افول است، مردم کمتر به سمت مطالعه گرایش دارند و ترجیح می‌دهند خلا خبری خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی مرتفع کنند. بنابراین پیش‌بینی می‌کنم به‌زودی، روزنامه‌ها در موزه‌ها قرار می‌گیرند و مردم برای دیدن روزنامه‌ها به موزه‌ها می‌آیند. شاید به این خاطر که بسیاری از نشریات اینترنتی شده‌اند و از حالت کلاسیک و ورق‌زدن خارج شده‌اند.»



اثر کامبیز درمبخش